



## Divergent Opinions on the Type of Punishment for Violating Islamic Hijab in Judicial Practice

**Afshin Mohammadi  
Darrehshouri**

Judicial Magistrate, Ph.D. candidate in Criminal Law and Criminology, Faculty of Humanities, Department of Law, Islamic Azad University, Bushehr Branch, Iran

**Amirreza Ghaane \***

Judicial Magistrate, Ph.D. candidate in Criminal Law and Criminology, Faculty of Theology and Islamic Knowledge, Department of Law, Meybod University, Iran.

### Abstract

In today's world, the enemy, especially relying on various tools in the virtual space, constantly seeks to achieve its sinister goals, including weakening the significant issue of Islamic hijab in Islamic societies. The Islamic Penal Code of the Islamic Republic of Iran, rooted in the Islamic faith, designates this important and religious duty as part of the religious obligations and obligates its recipients to adhere to this principle. The current conditions in the country indicate multiple efforts by the enemy in this regard, and unfortunately, many sisters have fallen for foreign deception and will be incited to pursue these sinister goals. Non-compliance with Islamic hijab in the present circumstances initially raises the question for the judges as to whether the actor has committed this act merely out of emotion, or whether it was, in fact, a deliberate act with a previous intention and for the purpose of encouraging others of the same gender to engage in similar actions. This issue has created differences of opinion among judges, especially resulting in contradictory rulings.

Regardless of the validity of the reasoning of either proponents of the two viewpoints, it seems that in choosing the type of punishment and, consequently, determining the penalty, the prevailing conditions in the country should also be taken into account, and making an absolute decision in this matter appears inappropriate.

**Keywords:** encouragement, corruption, hijab, sharia, custom

Received: 03/September/2023

Accepted: 16/November/2023

eISSN: 2783-4204

ISSN: 2783-3631

## اختلاف نظر موجود در خصوص نوع مجازات عدم رعایت حجاب شرعی در رویه قضایی

افشین محمدی

دره شوری

قاضی دادگستری، دانشجوی مقطع دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر، ایران.

امیررضا قانع\*

قاضی دادگستری، دانشجوی مقطع دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، گروه حقوق، دانشگاه سراسری میبد، ایران.

### چکیده

امروزه، دشمن با تکیه بر ابزار گوناگون، علی‌الخصوص در حوزه فضای مجازی، همواره به دنبال دستیابی به اهداف شوم خود، از جمله تضعیف مسئله مهم حجاب در جوامع اسلامی است. قانون مجازات اسلامی جمهوری اسلامی ایران که ریشه در دین مبین اسلام داشته، این وظیفه مهم و شرعی را از واجبات شرعی قلمداد نموده و مخاطبین آن را مکلف به رعایت این مهم کرده است. شرایط حال حاضر کشور، از تلاش‌های متعدد دشمن در این خصوص حکایت دارد. متأسفانه، غالب خواهران نیز در این خصوص فریب بیگانه را خورده و تحریک به انجام این اهداف شوم خواهند شد. عدم رعایت حجاب شرعی در شرایط فعلی، ابتدا این تصور را به ذهن قضات رسیدگی‌کننده ایجاد می‌آورد که آیا فاعل عمل، صرفاً از روی هیجان چنین اقدامی را انجام داده و یا اینکه ارتکاب عمل با سوء نیت و هدف قبلی و به جهت تشویق سایر هم‌جنسان و هم‌نوعان مرتکب به انجام عمل مشابه بوده است. این موضوع نیز خود موجبات اختلاف نظر بین قضات و علی‌الخصوص صدور آرای متضاد را فراهم آورده است. صرف نظر از صحت استدلال هر یک از قائلین به هر دو عقیده، به نظر می‌رسد در انتخاب نوع بزه و در امتداد آن، تعیین مجازات، می‌بایست شرایط حاکم بر کشور را نیز در نظر داشت چراکه تصمیم‌گیری به نحو مطلق در این خصوص، ناصحیح به نظر می‌رسد.

کلیدواژه‌ها: تشویق، فساد، حجاب، شرع، عرف

## مقدمه

بدون شک، امنیت جامعه، مسئله مهمی است که برقراری و حفظ آن همواره دارای اهمیت والا و شأن و جایگاهی غیرقابل انکار بوده است. دشمن همواره در تلاش بوده تا به طرق مختلف، راه‌های آسیب رساندن و ضربه به کشور را یافته و با تمام تلاش در مسیر آن حرکت نماید. شرایط حال حاضر کشور که به جرئت می‌توان گفت فضای مجازی نقش بسزایی در هدایت آن دارد، نشان از نوع سلاح دشمن در ضربه زدن به جامعه اسلامی که همانا تضعیف مسئله مهم حجاب شرعی است، خواهد بود. قانون‌گذار در تبصره ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵ بیان می‌دارد که: «... زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند، به حبس از ده روز تا دو ماه و یا از پنجاه هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد» (جزای نقدی مندرج در این ماده به موجب مصوبه مورخ ۲۵/۱۲/۱۳۹۹ هیئت وزیران به دو (۲.۰۰۰.۰۰۰) تا ده (۱۰.۰۰۰.۰۰۰) میلیون ریال تعدیل شده است). در ماده ۶۳۹ همان قانون نیز بیان می‌دارد: «افراد زیر به حبس از یک تا ده سال محکوم می‌شوند و در مورد بند «الف»، علاوه بر مجازات مقرر، محل مربوطه به طور موقت با نظر دادگاه بسته خواهد شد: الف- کسی که مرکز فساد یا فحشا دایر یا اداره کند؛ ب- کسی که مردم را به فساد یا فحشا تشویق نموده یا موجبات آن را فراهم نماید». نوع مجازات در هر یک از دو ماده از حیث شدید و خفیف بودن به هیچ وجه قابل قیاس نیست. از سوی دیگر، صلاحیت رسیدگی در هر یک از دو ماده نیز با تکیه بر درجه بزه ارتكابی، خود گویای حساسیت هر یک از مجازات خواهد بود. به عنوان نمونه، در خصوص بزه موضوع ماده ۶۳۸، شاید متناسب ترین نوع قرار تأمین در راستای اعمال ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی که پس از تفهیم اتهام صادر می‌گردد، قرار کفالت باشد. این امر در حالی است که در خصوص بزه موضوع ماده ۶۳۹ با تکیه بر مواد ۲۱۷، بند ب ماده ۲۳۷ و بندهای الف، ب و در رأس آن، قسمت ابتدایی بند پ ماده ۲۳۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی، اجازه صدور شدیدترین نوع قرار تأمین که همانا قرار بازداشت موقت بوده، به قاضی رسیدگی کننده داده شده است. با وجود این، سؤال مهم و چالش برانگیز این است که ملاک انتخاب نوع بزه در زمان مواجهه با بی حجابی چیست و راه‌های تشخیص و انتخاب، کدام هستند؟ سؤال مطرح شده، علاوه بر آنکه اذهان برخی از قضات محترم، به خصوص قضات ویژه رسیدگی کننده به این نوع جرائم را درگیر نموده، از علل اساسی و مهم نگارش پژوهش حاضر نیز به شمار می‌رود. در این اثر با عنایت به طرح مسئله فوق و بررسی زوایای موجود، به دنبال پاسخ مناسب و یکسانی به جهت حل مسئله موجود بوده تا شاید بتوان در این خصوص به میزان حداقلی وحدت رویه، ولو به لحاظ عرفی در بین محاکم ایجاد نمود.

## ۱- خلاصه پرونده

در پرونده مورد بررسی از سوی دادسرای عمومی و انقلاب دادسرای ناحیه ۲۱ تهران نسبت به متهمین ۱- پ.ح. فرزند ی. ۳۹ ساله ۲- پ.ح. فرزند ی. ۳۱ ساله (هر دو مطلقه) ۳- ع.ط. فرزند ع. ۳۱ ساله به اتهام تشویق مردم به فساد (از طریق عدم رعایت حجاب) و ۴- ح.ت. فرزند ح. ۲۳ ساله و مجرد و مسلمان و فاقد سابقه کیفری به اتهام ارتكاب فعل حرام در انظار عمومی قرار جلب به دادرسی و متعاقباً کیفرخواست، صادر و نزد شعبه ۱۰۸۹ دادگاه عمومی جزایی تهران ارسال گردیده است. لکن دادگاه پس از بررسی در اوراق پرونده با این استدلال که: «دادگاه با بررسی گزارش‌ها و تحقیقات به عمل آمده و نحوه دستگیری متهمان و دفاعیات متهم ردیف چهارم در جلسه دادگاه و اگرچه متهمان ردیف اول تا سوم در جلسه دادگاه حاضر نشدند اما دادگاه عمل ارتكابی متهمان را منطبق با ماده ۶۳۹ و ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی ندانسته و همان گونه که در متن گزارش اولیه صفحه یک آمده است، متهمان اُنات بدحجاب بودند و صرف بدحجابی تشویق به فساد محسوب نمی‌گردد. لذا، دادگاه برخلاف کیفرخواست صادرشده، عمل ارتكابی متهمان ردیف

اول تا سوم را عدم رعایت حجاب شرعی در انظار عمومی تشخیص و به استناد تبصره ماده ۶۳۸ قانون یادشده، هر یک از متهمان ردیف اول تا سوم را بابت آن و با اختیارات حاصله از بند یک ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین و نیز بخشنامه شماره ۹۰۰۰/۱۴۰۲/۱۰۰-۱۳۹۱/۱/۱۸ ریاست محترم قوه قضاییه مبنی بر افزایش تعرفه‌های خدمات قضایی به پرداخت سه میلیون ریال جزای نقدی در حق صندوق دولت محکوم می‌کند. اما در خصوص اتهام نامبردگان دایر بر تشویق به فساد و نیز در خصوص اتهام متهم ردیف چهارم (ح.ت.) دایر بر ارتکاب فعل حرام به جهت فقد دلایل اثباتی و به استناد ماده ۱۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری، رأی بر برائت نامبردگان از بزه‌های اخیرالذکر صادر و اعلام می‌گردد»، رأی مدنظر خود را نیز صادر نموده است. رأی مزبور نیز پس از اعتراض عیناً از سوی شعبه ۲۷ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، تأیید و ابرام گردیده است.

## ۲- متن رأی بدوی و تجدیدنظر<sup>۱</sup>

### مشخصات رأی

شماره دادنامه: ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۲۷۰۱۴۲۰

تاریخ صدور رأی: ۱۳۹۱/۱۱/۱۵

مرجع رسیدگی کننده: شعبه ۲۷ دادگاه تجدیدنظر استان تهران

### متن رأی بدوی

در این پرونده و به موجب کیفرخواست شماره ۱۳۹۱/۷/۱۲-۳۰۰۲۴۷۲ صادرشده از دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۲۱ تهران ۱- پ.ح. فرزند ی. ۳۹ ساله ۲- پ.ح. فرزند ی. ۳۱ ساله (هر دو مطلقه) ۳- ع.ط. فرزند ع. ۳۱ ساله (ردیف ۲ و ۳ دارای سابقه کیفری ص ۷) متهم هستند به تشویق به فساد ۴- ح.ت. فرزند ح. ۲۳ ساله و مجرد و مسلمان و فاقد سابقه کیفری متهم است به ارتکاب فعل حرام. دادگاه با بررسی گزارش‌ها و تحقیقات به عمل آمده و نحوه دستگیری متهمان و دفاعیات متهم ردیف چهارم در جلسه دادگاه و اگرچه متهمان ردیف اول تا سوم در جلسه دادگاه حاضر نشدند اما دادگاه، عمل ارتكابی متهمان را منطبق با ماده ۶۳۹ و ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی ندانسته و همان‌گونه که در متن گزارش اولیه صفحه یک آمده است، متهمان اُنات بدحجاب بودند و صرف بدحجابی، تشویق به فساد محسوب نمی‌گردد. لذا، دادگاه برخلاف کیفرخواست صادرشده، عمل ارتكابی متهمان ردیف اول تا سوم را عدم رعایت حجاب شرعی در انظار عمومی، تشخیص و به استناد تبصره ماده ۶۳۸ قانون یادشده، هر یک از متهمان ردیف اول تا سوم را بابت آن و با اختیارات حاصله از بند یک ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین و نیز بخشنامه شماره ۹۰۰۰/۱۴۰۲/۱۰۰-۱۳۹۱/۱/۱۸ ریاست محترم قوه قضاییه مبنی بر افزایش تعرفه‌های خدمات قضایی به پرداخت سه میلیون ریال جزای نقدی در حق صندوق دولت محکوم می‌کند. اما در خصوص اتهام نامبردگان دایر بر تشویق به فساد و نیز در خصوص اتهام متهم ردیف چهارم (ح.ت.) دایر بر ارتكاب فعل حرام به جهت فقد دلایل اثباتی و به استناد ماده ۱۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری، رأی بر برائت نامبردگان از بزه‌های اخیرالذکر صادر و اعلام می‌گردد. این رأی نسبت به محکومیت متهمان ردیف اول تا سوم غیابی و ظرف ده روز پس از ابلاغ قابل واخواهی در این شعبه و سپس، ظرف بیست روز قابل اعتراض در محاکم محترم تجدیدنظر استان تهران است و نسبت به برائت نامبردگان و

۱. گزارش با به کارگیری برخی نشانه‌های نگارشی و سجاوندی و رأی عیناً از بانک آراء قوه قضاییه به نشانی زیر نقل می‌گردد:

نسبت به متهم ردیف چهارم حضوری و ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل اعتراض در محاکم محترم تجدیدنظر استان تهران است.

رئیس شعبه ۱۰۸۹ دادگاه عمومی جزایی تهران

### متن رأی تجدیدنظر

در خصوص تجدیدنظرخواهی خانم پ. و پ. ح. و ع. ط. نسبت به دادنامه‌های شماره ۱۰۸۸-۱۰۹۱ مورخ ۱۳۹۱/۹/۱۲ صادره از شعبه ۱۰۸۹ دادگاه عمومی تهران که به موجب آن، ضمن رد و اخواهی نسبت به دادنامه غیابی شماره ۱۰۶۷ مورخ ۱۳۹۱/۹/۷، رأی بر محکومیت تجدیدنظرخواهان به پرداخت جزای نقدی به لحاظ انتساب اتهام عدم رعایت حجاب شرعی در انتظار عمومی صادر، نظر به اینکه در این مرحله از رسیدگی از ناحیه تجدیدنظرخواهان، ایراد و اعتراض موجهی که موجبات نقض دادنامه تجدیدنظر خواسته را فراهم نماید، ارائه و عنوان نگردیده است و تجدیدنظرخواهی با هیچ‌یک از شقوق مندرج در ماده ۲۴۰ قانون آیین دادرسی در امور کیفری منطبق نیست، دادگاه ضمن رد تجدیدنظرخواهی به عمل آمده در اجرای بند الف از ماده ۲۵۷ قانون مذکور، دادنامه موصوف را تأیید و استوار می‌نماید. این رأی قطعی است.

رئیس شعبه ۲۷ دادگاه تجدیدنظر استان تهران- مستشار دادگاه

### ۳- نقد و بررسی

#### ۳-۱- شرح تبصره ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵

همان‌گونه که سابقاً بدان پرداخته شد، قانون‌گذار در تبصره ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵ بیان می‌دارد: «... زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انتظار عمومی ظاهر شوند، به حبس از ده روز تا دو ماه و یا از پنجاه هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد (جزای نقدی مندرج در این ماده به موجب مصوبه مورخ ۲۵/۱۲/۱۳۹۹ هیئت‌وزیران به دو (۲۰.۰۰۰.۰۰۰) تا ده (۱۰.۰۰۰.۰۰۰) میلیون ریال تعدیل شد)». حجاب شرعی زنان از مسائلی است که تمام فقها در این خصوص اتفاق نظر دارند (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ص ۴۶). این موضوع، از جمله اصول پذیرفته شده دین مبین اسلام بوده و در واجب بودن آن شکی نیست. واژه‌های بدحجابی یا بی‌حجابی مطرح امروزی در میان عوام، اهالی رسانه و پلیس، به واقع ناظر به این تبصره است. البته عبارت به کاررفته از سوی قانون‌گذار مبنی بر «بدون-عدم-رعایت-حجاب شرعی»، عبارتی دقیق و حقوقی بوده ولیکن تبصره فوق در تعریف این عبارت ساکت است. جدای از آن، قوانین خاصی در زمینه حجاب و پوشش وجود داشته که سعی در تقویت این زمینه دارد؛ نظیر قانون عفاف و حجاب که در سال ۱۳۸۴ توسط شورای انقلاب فرهنگی، تصویب و بالأخره در دی‌ماه سال ۱۳۹۳ برای اجرا ابلاغ شد. همچنین، قانون ساماندهی مد و لباس مصوب سال ۱۳۸۵ که البته در هیچ قانونی این موضوع به طور مشخص تعریف و مصادق آن بیان نگردیده است (آقایی، ۱۳۹۸، ص ۲۳۲). به واقع، با تکیه بر منابع و روایات می‌توان گفت که منظور از حجاب شرعی در این قانون، آن است که بدن بانوان به جز دو دست تا مچ و صورت پوشیده باشد. در این خصوص نیز وسیله به کاررفته ملاک عمل نیست بلکه صرف پوشش مهم است (آقایی، ۱۳۹۸، ص ۲۳۴). اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریه مشورتی شماره ۷/۴۳۹۸ مورخ ۱۳۸۵/۶/۱۳، چنین بیان داشته است که: «بی‌حجابی در صورتی مشمول تبصره ذیل ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵ بوده که شخص مورد اتهام، عمداً مرتکب آن شده باشد، و گر نه با توجه به اینکه الاعمال بالنیات، اگر چنین فردی بی‌اراده و من غیر عمد مرتکب چنین ترک فعلی شود، قابل مجازات نیست. در ضمن، از نظر شرعی، علم به حرمت نیز شرط مجازات است و اگر مرتکب علم به حرمت عمل نداشته باشد،

شرعاً قابل مجازات نیست؛ مگر آنکه عفت عمومی را جریحه‌دار نماید. در مورد کسانی که حجاب کامل ندارند یا حجاب ناقص دارند و معروف به بدحجابی هستند، مانند زنی که مقنعه یا روسری بلندی دارد و لباسش تمام بدنش را پوشانده، به جز صورت و مچ دست به طرف پایین، مع‌ذلک قسمتی از موی سرش بین پیشانی و روسری تا مقنعه دیده می‌شود، نمی‌توان وی را بی‌حجاب و مشمول تبصره ذیل ماده ۶۳۸ قانون فوق‌الذکر دانست. در این خصوص باید حکم قضیه را مطابق ماده ۲۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۷۸ با استفاده از منابع فقهی معتبر یا فتاوی معتبر به دست آورد؛ مگر آنکه آن‌قدر بدحجابی فاحش باشد که عرف آن را بی‌حجاب بداند...<sup>۱</sup>.

این نوع جرم از نوع ترک فعل است. معابر و انظار عمومی، به مثابه جرم موضوع متن ماده، شرط دیگر تحقق این جرم است. در این تبصره، دامنه شمول این بزه صرفاً به عدم رعایت حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی محدود است. آنچه از این عبارات قابل درک است، اینکه اگر زنان بدون حجاب شرعی صرفاً در معابر و انظار عمومی مثل کوچه‌ها، خیابان‌ها، پارک‌ها، مراکز تفریحی، تجاری، دانشگاهی و غیره ظاهر شوند، مجرم بوده و می‌بایست مجازات شوند. در غیر این صورت، موضوع منتفی است؛ یعنی این تبصره شامل اماکن خصوصی نمی‌شود و زنان و دختران بالغی که در پارتی‌ها، مهمانی‌های خصوصی، تالارها و غیره، بدون حجاب شرعی در نزد نامحرم حضور پیدا می‌کنند، شامل این تبصره نخواهند شد. این جرم از جرائم عمدی است چراکه مرتکب باید علاوه بر علم به غیرقانونی بودن عمل، قصد انجام آن را نیز باید داشته باشد (آقای، ۱۳۹۸، ص ۲۳۵). لازم به ذکر است که این تبصره اشاره‌ای به جریحه‌دار شدن عفت عمومی نداشته است. لذا، اگر زنی حد شرعی را رعایت ننماید، مشمول مجازات این ماده خواهد شد؛ چه این عمل عفت عمومی را جریحه‌دار کند و چه نکند (هاشمی، ۱۳۸۶، ص ۲۱). عده‌ای از حقوق‌دانان معتقدند که در این بزه، مسئله معاونت قابل طرح است؛ بدین توضیح که به‌عنوان مثال، مردی زنی را تحریک به حضور در معابر بدون حجاب شرعی نماید (زراعت، ۱۳۸۰، ص ۵۶۶). باین حال، با عنایت به مجازات معاونت در قانون مجازات اسلامی و درجه بزه ارتكابی فوق، این موضوع از اساس منتفی خواهد بود.

## ۲-۳- عبارت تشویق مردم به فساد موضوع ماده ۶۳۹ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)

قانون‌گذار در ماده ۶۳۹ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵، چنین بیان می‌دارد: «افراد زیر به حبس از یک تا ده سال محکوم می‌شوند. در مورد بند «الف»، علاوه بر مجازات مقرر، محل مربوطه به‌طور موقت با نظر دادگاه بسته خواهد شد: الف- کسی که مرکز فساد یا فحشا دایر یا اداره کند؛ ب- کسی که مردم را به فساد یا فحشا تشویق نموده یا موجبات آن را فراهم نماید». لذا با عنایت به شرح فوق، اگر فردی مردم را به فساد و فحشا تشویق و یا تحریک و یا ترغیب نماید، مشمول ماده خواهد شد. در اینجا، قانون‌گذار لفظ تشویق را به نحو مطلق بیان داشته و مصادیق آن را به‌طور دقیق ذکر نکرده است. لذا می‌توان این فعل را اعم از گفتار، رفتار، پوشش و غیره، مدنظر قرار داد.

## ۴- شرح اختلاف در موضوع

امروزه با عنایت به شرایط حال حاضر کشور، شعب ویژه‌ای در محاکم جهت رسیدگی به موضوعات مشابه فوق، تعیین و مشغول به فعالیت هستند. با وجود این، اختلاف در این موضوع که ازجمله در شهر شیراز نیز غالباً قابل ملاحظه است، به‌واقع اختلاف در نوع تفهیم اتهامی است که به متهمین فاقد حجاب شرعی در انظار عمومی، از سوی قضات رسیدگی‌کننده می‌شود. در این خصوص، دو نظر در بین قضات و در رویه حاکم است؛ اولاً، عده‌ای بر این باورند که فعل صورت‌یافته از سوی مرتکب، کاملاً با مصادیق ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵ منطبق است و

۱. برگرفته از بانک نظریات مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه به شرح:

می‌بایست مشمول عنوان اتهامی «عدم رعایت حجاب شرعی در انظار عمومی» قرار گیرد. ثانیاً، در طرف مقابل، عده‌ای دیگر بر این باورند که شرایط حال حاضر کشور عادی نبوده و از طرفی، امروزه دشمن از طریق فضای رسانه و فضای مجازی به دنبال تشویق و تحریک زنان به کشف حجاب و به نوعی مقابله با نظام است. این موضوع نیز بر کسی با عنایت به گذشت مدت زمان سپری شده پوشیده نیست. از طرف دیگر، مسئولین مربوطه نیز به صورت مداوم ضمن تذکر به رعایت حجاب، انجام این عمل را ممنوع و افراد را تشویق به رعایت قانون حاکم بر کشور کرده‌اند. با توجه به این مطالب، هر فردی چنین عملی را مرتکب گردد، بدون شک عنصر معنوی موضوع را به همراه داشته و اقدام وی نیز منطبق با بند ب ماده ۶۳۹ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵ که همانا «تشویق مردم به فساد است»، خواهد بود. با عنایت به شرح فوق، هرچند عقیده گروه دوم با توجه به شرایط فعلی کشور صحیح‌تر به نظر می‌رسد لکن می‌بایست زمان و مکان ارتکاب عمل نیز از سوی مرتکب مدنظر قرار گیرد و اینکه آیا فرد متهم به تذکرات لسانی اطرافیان توجهی داشته است یا خیر؟ به عنوان نمونه، خانم بی‌حجابی که بدون رعایت این مهم در مترو در حال تردد است و علی‌رغم تذکرات متعدد به وی، توجهی نداشته و از طرفی پرخاش هم می‌کند، به نظر می‌رسد اقدام وی مصداق بارز تشویق مردم به فساد است. در مقابل، فردی را که در پشت خودرو خود در حال صحبت کردن با تلفن بوده و پس از تذکر، بلافاصله و یا با کمی تأخیر اقدام به رعایت این مهم می‌نماید، به سختی می‌توان مشمول عناوین ذکر شده دانست؛ حداقل صرفاً می‌بایست مشمول ماده ۶۳۸ قانون فوق قرار گیرد؛ بنابراین، به نظر می‌رسد می‌بایست به جهت حل موضوع، به مجموعه اوضاع و احوال حاکم بر ارتکاب بزه همچون زمان، مکان، توجه به تذکرات، پرخاش در مقابل آمرین به معروف و سایر موارد مشابه پرداخته شود و نتیجه‌گیری مطلق از متون مواد ۶۳۸ و ۶۳۹ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵، ناصحیح به نظر می‌رسد.

### نتیجه‌گیری

بدون شک، امنیت جامعه، مسئله مهمی است که برقراری و حفظ آن، همواره دارای اهمیت والا و شأن و جایگاهی غیرقابل انکار بوده است. دشمن همواره در تلاش بوده تا به طرق مختلف، راه‌های آسیب و ضربه زدن به کشور را یافته و با تمام تلاش در مسیر آن حرکت نماید. شرایط حال حاضر کشور که به جرئت می‌توان گفت فضای مجازی نقش بسزایی در هدایت آن دارد، نشان از نوع سلاح دشمن در ضربه زدن به جامعه اسلامی که همانا تضعیف مسئله مهم حجاب شرعی است، خواهد بود. عدم رعایت حجاب شرعی در شرایط فعلی، ابتدا این تصور را در ذهن قضات رسیدگی کننده ایجاد می‌کند که آیا فاعل عمل، چنین اقدامی را صرفاً از روی هیجان انجام داده و یا ارتکاب عمل با سوءنیت و هدف قبلی و جهت تشویق سایر هم‌جنسان و هم‌نوعان مرتکب به انجام عمل مشابه بوده است. آنچه که از متون مواد قانونی مورد هدف و با تکیه بر شرایط حاکم بر کشور به نظر می‌رسد، آن است که می‌بایست جهت حل موضوع به مجموعه اوضاع و احوال حاکم بر ارتکاب بزه همچون زمان، مکان، توجه به تذکرات، پرخاش در مقابل آمرین به معروف و سایر موارد مشابه پرداخته شود و نتیجه‌گیری مطلق از متون مواد ۶۳۸ و ۶۳۹ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵، ناصحیح بوده و موجبات این اختلاف نظر را فراهم خواهد آورد.

## منابع

- آقای، مهدی. (۱۳۹۸). رسیدگی به جرائم منافی عفت با نگرشی کاربردی. تهران: انتشارات قوه قضاییه.
- زراعت، عباس. (۱۳۸۰). شرح قانون مجازات اسلامی بخش حدود (جرائم منافی عفت). جلد ۱، تهران: انتشارات ققنوس.
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی. (۱۴۰۱ ق). الروضه البهیة فی شرح المعه الدمشقیه، کتاب الحدود. بی‌جا: انتشارات داوری.
- هاشمی، حسین. (۱۳۸۶). نقدی بر ماده ۶۳۸ ق.ا.م.ا. در جرم‌انگاری بدحجابی. فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، ۳۷، ۱۳۳-۱۶۰.

استناد به این مقاله: محمدی دره شوری، افشین و قانع، امیررضا. (۱۴۰۲). اختلاف نظر موجود در خصوص نوع مجازات عدم رعایت حجاب شرعی در رویه قضایی. فصلنامه تحقیقات نوین میان‌رشته‌ای حقوق، ۳(۳)، ۲۵-۳۲.



Modern Interdisciplinary Research in Law is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.